



انتشارات مستضعفین

وابسته به آرمان مستضعفین

ارگان عقیدتی، سیاسی سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران

# تعاونی‌ها بستر ساز سوسیالیسم





**شناسنامه کتاب:** تعاونی‌ها بستر ساز سوسیالیسم

چاپ اول:

چاپ دوم: هواداران آرمان مستضعفین - هلند - فروردین ماه ۱۳۶۹

تایپ مجدد: انتشارات مستضعفین - خرداد ماه ۱۳۹۲



## فهرست

- ۶ ..... مقدمه:
- ۷ ..... علل تشدید بحران اقتصادی ایران
- ۸ ..... ماهیت حاکمیت و انتظارات توده‌ها
- ۸ ..... تعاونی‌ها یک «روش» یا «بینش»؟
- ۹ ..... تعاونی در بستر سرمایه‌داری غرب
- ۱۰ ..... تعاونی‌ها و سرمایه‌داری دولتی
- ۱۰ ..... تعاونی‌ها و کمونیسم
- ۱۰ ..... تعاونی‌ها در ایران قبل از انقلاب
- ۱۱ ..... تعاونی و رسالت آن از نظر اسلام
- ۱۱ ..... تعاونی تولید و مصرفی
- ۱۲ ..... خودآگاهی توده‌ها ضامن بقای تعاونی‌ها
- ۱۲ ..... ریشه کن کردن سرمایه‌داری و فنودالیسم بستر رشد تعاونی‌ها
- ۱۳ ..... تعاونی‌ها و شوراهای مردمی

## مقدمه

مسائل و مصائب اقتصادی در طی دو سالی که از عمر کوتاه انقلاب می‌گذرد، بزرگترین مانع پیشروی انقلاب بوده‌اند و همچون زالویی به جان دست آورده‌های انقلابی افتاده‌اند. گرانی بی حد و حصر، بیکاری که همچون شبی سراسر جامعه ما را فرا گرفته و روز بروز افزایش بیشتری می‌یابد، تورم که در رقابت با تورم دیکتاتوری آرژانتین و رژیم صهیونیستی (بیش از صد در صد) قرار گرفته و همزمان با آن، رکود اقتصادی و کندی آهنگ رشد اقتصادی و تولیدی و... از جمله این مشکلات مزمن می‌باشند. اهمیت این مسائل تا آنجاست که خود به عنوان یکی از عوامل بازدارنده انقلاب درآمده و یاس و سرخوردگی توده‌ها را دو چندان ساخته است.

مشاهده این مشکلات و نقشی که در توقف روند خروشنده انقلاب تاکنون ایفاء کرده‌اند، مبین همین اعتقاد ماست که در جوامع تحت سلطه و سیطره‌ی امپریالیسم جهانی که سرمایه‌داری کمپرادور تا اعماق ریشه‌های اجتماعی رسوخ کرده اقتصاد دیگر یک اصل در کنار دیگر اصول نیست، بلکه یک زیربنای تمام عیار و کامل برای ایجاد تغییرات شگرف اجتماعی می‌باشد.

در اسلام و جامعه اسلامی و حتی اقتصاد اسلامی انسان همچنان به عنوان یک علت و زیربنای تعیین کننده جلوه می‌کند، اما در عرصه گسترده واقعیات اجتماعی همه چیز، تمامی اتفاقات و موضعگیری‌ها و تلاش‌ها، حاکی از آن است که اقتصاد جایگزین

انسان گذشته و نقش علت گونه را از انسان ربوده و در چنین جامعه‌ای که اقتصاد انسان را از میان برداشته، اقتصاد از آنچنان قدرتی برخوردار است که هر آنچه که بخواهد انجام می‌دهد، حتی به حامی وفادار خویش، محمدرضا خان، نیز وفا نکرد و با جبر خویش که در عصیان توده‌ها تبلور می‌یافت، از تخت جبروت و سلطنت به زیر کشید. هم امروز نیز همین اقتصاد وابسته و زیربنایی در پی آن است که دست آورده‌های انقلاب مردمی ۲۲ بهمن را ببلعد و موانع احیای خویش را از میان بردارد.

### علل تشدید بحران اقتصادی ایران

حاکمیت انقلاب و میراث خواران پس از انقلاب با کوهی از مشکلات اقتصادی روبرو بودند که هر یک نیاز به راه حلی ریشه ای، درمانی قطعی و شیوه‌ای انقلابی داشت. انتقال بحران اقتصادی غرب به ایران از طریق سرمایه‌داری وابسته، تعطیل اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی در خلال انقلاب، قطع فروش نفت و ضایعات ناشی از آن در جامعه مصرفی ما، محاصره اقتصادی و گرانی و... بار سنگینی بود که مقابله با آن بیش از هر چیزی به یک شایستگی انقلابی و ماهیت مردمی نیازمند بود.

تکیه بر افشار محروم جامعه اولین قدم ضروری برای حل این معضلات بود. انتقال قدرت به توده‌ها از طریق سیستم شوراهای مردمی و وارد ساختن ایشان در عرصه پیکار اجتماعی و سپردن مسئولیت توأم با قدرت برای مقابله با ضایعات اقتصادی، شرایط لازم برای ساختن یک اقتصاد مستقل و سالم و توده‌ای بود.

اما اسلامی که زیر چتر انقلاب به حاکمیت دست یافته است از چنین ویژگی محروم می‌باشد. ماهیت خرده بورژوازی این اسلام دم خروسی بود که از میان قسم‌های گوناگون پیدا بود. ماهیت طبقاتی اسلام حوزه‌ای از یک سو و قدرت طلبی و انحصار گرایی وی از جانب دیگر راه رهایی توده‌ها از تارهای عنکبوتی نظام سرمایه‌داری وابسته را مسدود می‌ساخت.

حاکمیت انقلابی بدنبال نفی و نابودی سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی نبود، حد اعلا‌ی آرمان اسلام خرده بورژوازی تجدید و محصور نمودن سرمایه‌داری و یا بزک ساختن آن می‌باشد. در سیاست خارجی نیز با تکیه بر سرمایه‌داری اروپا و ژاپن سعی می‌کردند به جنگ امپریالیسم آمریکا و ابرقدرت شرق بروند. جنگ پس از انقلاب، ستیز سرمایه‌داری محدود با ظاهری آراسته و اسلامی با سرمایه‌داری ولنگار و بی حد و حصر بود و این جنگ آنچنان از سوی اسلام حوزه‌ای جدی گرفته می‌شد که در ابتدا حتی خود سرمایه‌داری نیز به وحشت افتاد، اما به تدریج پیام‌های وحدت حاکمین را برای بازگشت دوباره دریافت کرد.

کاملاً روشن است که با اتکاء به سرمایه‌داری حتی در شکل محدود آن نمی‌توان به مقابله با سرمایه‌داری و عوارض شوم اجتماعی - اقتصادی آن پرداخت و این درس بزرگی است که اغلب انقلابات خلق‌های جهان سوم و سرانجام آنها به ما می‌آموزند. مصر نمونه خوبی است برای تفهیم این مهم. ناصر نیز سعی داشت بر اساس یک اقتصاد خرده بورژوازی و سرمایه‌داری محدود به جنگ سرمایه‌داری وابسته برود و دیدیم که چگونه سرمایه‌داری وابسته همچون مار زخمی در کمین نشست و سرانجام از درون انقلاب و پشت سر پرچمدار خویش، سادات، قهرمان ملی سر برون آورد و آنچه را ناصر با تلاش بی وقفه‌اش ساخته بود، یک شبه در هم ریخت و بر ویرانه‌های آن تکیه کرد.

### ماهیت حاکمیت و انتظارات توده‌ها

توده مردم، در حالیکه وارد سومین سال پیروزی انقلاب می‌گردند، همچنان چشم انتظارشان بر دست‌های قدرتمندان و حاکمین دوخته شده تا شاید اندکی از بارهای طاقت فرسایی که بر پشت ایشان سنگینی می‌کند، بکاهند. تورم، گرانی، بیکاری، عدم کالایی، بند و بست‌های معمول نظام سرمایه داری، احتکار، دزد و واسطه‌های زالوصفت مسائل عمده‌ای هست که مردم هر روزه با پوست و استخوانشان احساس می‌کنند و در مقابل حاکمیت تنها در پی بزک ساختن چهره سرمایه‌داری و سرمایه‌داران و مبارزه با واسطه‌ها از طریق پند و نصیحت برادرانه می‌باشند و توده‌ها را همچنان منتظر اما بی ثمر نگاه می‌دارند.

نظر به این مشکلات عظیم اقتصادی و با اعتقاد راسخ بدین امر که در ممالک غارت شده و تحت سلطه‌ای چون ایران بدون مبارزه‌ای ریشه‌ای با سرمایه‌داری وابسته و جایگزینی نظام اقتصادی برتری بر جای آن، تداوم انقلاب امکان پذیر نیست، تصمیم گرفتیم یکی از طرق درمان دردهای مزمن اقتصادی - اجتماعی را که اکنون تداوم انقلاب را تهدید می‌سازد و بسیار هم در باره آن سخن گفته‌اند، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

### تعاونی‌ها یک «روش» یا «بینش»

تعاونی‌ها همان راه حل مورد نظر ماست و از جمله مفاهیمی است که گرچه درباره آن بسیار نوشته شده است اما همچنان در محاق شبهه‌ها باقی مانده و هنوز تصویر درستی از نقش آن‌ها برای راهیابی به یک سیستم اقتصادی برتر، ترسیم نگشته است. دولت موقت دم از تشکیل تعاونی‌ها و حمایت از آن‌ها می‌زد، دولت رجایی نیز به تازگی به



یاد اصل ۴۴ قانون اساسی افتاده و تعاونی‌ها را همان درمان اساسی مشکلات موجود اعلام کرده و سعی دارد با تشکیل تعاونی‌ها حداقل مقداری از فشار اقتصادی موجود بر توده‌ها بکاهد. ما نظر خود را راجع به تعاونی‌ها و رابطه آن‌ها با مکتب و نظام اقتصادی ایده آل آن (سوسیالیسم تطبیقی) روشن خواهیم کرد. اما آنچه برای ورود به بحث می‌بایست طرح گردد این است که، تعاونی‌ها در هر رابطه‌ای که تشکیل شوند، یک «روش» بیش نیستند. روشی که بر اساس یک بینش معین، شکل و محتوای خاص خودش را پیدا می‌کند. یعنی حتی ما می‌توانیم معتقد به نظام سرمایه‌داری باشیم و در عین حال بر تعاونی‌ها تکیه کنیم و هم معتقد به سوسیالیسم باشیم و تعاونی‌ها را به عنوان پل انتقال بدان در نظر گیریم.

پس اگر ما تعاونی‌ها و نقش آن‌ها را در غرب و در بستر سرمایه‌داری و همچنین در نظام کمونیستی یا سرمایه‌داری دولتی مطرح کنیم، نباید باعث تعجب گردد.

### تعاونی در بستر سرمایه‌داری غرب

سودجویی بی حد و حصر سرمایه‌داران که در شکل رقابت سرسام آور اقتصادی نمود می‌یافت، سرانجام در نیمه دوم قرن نوزدهم آثار وحشتناک خویش را با رشد تضادهای طبقاتی آشکار ساخت. تورم کالایی که در برابر دیوار ضخیم عرضه و تقاضا بوجود آمده بود، همراه با خیل عظیم بیکاران رانده شده از کارخانجات صنعتی زمینه‌های عینی عصیان بر علیه سرمایه‌داری را فراهم می‌ساخت. از سوی دیگر اشاعه اندیشه‌های سوسیالیستی در ابتدا به شکل تخیلی و در استمرار آن به صورت سوسیالیسم علمی نیز بستر ذهنی این عصیان را موجب می‌گشت. سرمایه‌داری به سلاحي نیازمند بود تا اولاً به مصاف با اندیشه‌های ترقی خواهانه و سوسیالیستی بپردازد و ثانیاً اندکی از فشار تضادهای طبقاتی بکاهد و این سلاح چیزی نبود جز تعاونی‌ها.

سرمایه‌داران به سر عقل آمدند و با تمسک جویی به تعاونی‌ها راه منفذ گریز برای خویش یافتند. تعاونی‌های تولیدی و مصرفی به لحاظ ماهیت سیستم سرمایه‌داری جدا از هم بوجود آمدند. تعاونی‌های تولیدی تحت سیطره سرمایه‌داران و در شکل اتحادیه‌ها و تراست‌ها و... و تعاونی‌های مصرفی در ارتباط با کارگران تشکیل شدند. بدین ترتیب اولاً سرمایه‌داری از بستر رقابت مهلک به سازش مصلحتی دست یافت، ثانیاً با اتکاء به تعاونی‌ها اندکی قدرت خرید کاذب در میان توده‌ها ایجاد می‌کرد. ثالثاً با سوسیالیسم به عنوان یک نظام اقتصادی برتر مقابله می‌کرد. پس برخلاف تصور معمول تعاونی‌ها به عنوان یک روش بر مبنای بینش سرمایه‌داری در استخدام سرمایه‌داران و بر علیه سوسیالیسم بکار گرفته شد.

## تعاونی‌ها و سرمایه‌داری دولتی

تعاونی‌ها چه تولیدی و چه مصرفی در سیستم‌های اقتصادی که قدرت را در دست دولت متمرکز می‌کند نیز کاربرد داشته است. نمونه کامل آن «کی بوتز»‌هایی (kibbutz) است که در رژیم صهیونیستی تحت نظارت دولت تشکیل شده است. در اینجا نیز تعاونی‌ها بسان غرب در ارتباط با توده‌ها هیچ اصالتی ندارند و تنها جای سرمایه‌داران را دولت غصب کرده است.

## تعاونی‌ها و کمونیسم

تعاونی در انقلابات کمونیستی نیز به عنوان یک راه حل اولیه و مقدماتی برای دستیابی به نظام اقتصادی مورد نظر پذیرفته شده است که سعی می‌شود از طریق آن قدرت اقتصادی بر سه پایه تولید و توزیع و مصرف کالا از سرمایه‌داران به توده‌های زحمتکش منتقل گردد. تعاونی‌ها در کشورهای کمونیستی اغلب به صورت «کمون»‌ها ظاهر می‌شوند و چین از نمونه‌های بارز این کمون‌ها می‌باشد. اما کمون‌ها در کشورهای کمونیستی در زیر چپ حزب بوروکراتیک حاکم و به عنوان جزئی از آن عمل می‌کنند و گرچه از لحاظ اقتصادی تا حدودی بهتر و مفیدتر از تعاونی‌های سرمایه‌داری هستند، اما همچنان نقش توده‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نفی‌گشته و جای آن‌ها را عده‌ای متخصص و بوروکراتیک و یک قشر ممتاز پر کرده‌اند.

## تعاونی‌ها در ایران قبل از انقلاب

همانطوری که اشاره شد، تعاونی یک متد است که هر بینشی بر اساس اهداف خاص خودش به نوعی بر آن تکیه می‌کند. در سرمایه‌داری، به منظور مقابله با سوسیالیسم و آمبورژوازه کردن کارگران، در سرمایه‌داری دولتی برای حفظ اعمال نفوذ دولت بر روند تولید و توزیع کالا و در کشورهای کمونیستی به قصد حاکمیت حزب بر این روند و رژیم وابسته پهلوی نیز از این امر مستثنی نبود.

گرچه سابقه تکوین تعاونی‌ها در ایران از نیم قرن هم می‌گذرد، اما هرگز به یاد نداریم دورانی را که این نهادها در خدمت منافع توده‌ها باشند. سرمایه‌داری وابسته و رشد آن در دو ده گذشته، تعاونی‌ها را در استخدام رسوخ خویش درآورده و به همین دلیل تعاونی‌ها در ایران فقط در بخش مصرفی ایجاد شدند و لاغیر. در زمان شاه از تعاونی‌های تولیدی خبری نبود و کاملاً هم طبیعی است، چرا که هر تعاونی تولیدی خاری است در چشمان بی‌حیای امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته، رسالت

این تعاونی‌ها صرفاً مصرفی انتقال و توزیع عادلانه! واردات و کالاهای ساخته نظام امپریالیسم در متن مردم بود. این است که تعاونی‌ها خود به یکی از پایه‌های حاکمیت سرمایه‌داری وابسته بدل شدند و جامعه ما را یک جامعه صد در صد مصرفی و بی تولید ساختند که تنها کارش فروختن نفت و وارد کردن کالاهای تجملی و غیرضروری بود.

### تعاونی و رسالت آن از نظر اسلام

بر اساس اعتقاد راسخمان به سوسیالیسم تطبیقی به عنوان نظام اقتصادی که اسلام ارائه می‌دهد، برای تعاونی‌ها به عنوان اولین پایه انتقال قدرت تولیدی - توزیعی به توده‌ها، اهمیت ویژه‌ای قائلیم و آن‌ها را هم ردیف با شورا‌های مردمی می‌دانیم.

اولین وظیفه تعاونی‌ها را در حال حاضر قطع دست واسطه‌های تولیدی - توزیعی می‌دانیم. زلو صفتهایی که هم در روند تولید یک کالا اعم از کشاورزی و صنعتی و هم در روند توزیع آن در میان مردم مترصد کوچکترین فرصت برای ارضاء سودجویی و منفعت طلبی خویش‌اند و شیره جان تولیدکنندگان کوچک و خرده مالکان و هم مصرف کنندگان محروم را می‌مکند و رشد صحیح و استوار تعاونی‌های مردمی با یک پشتوانه سوسیالیستی می‌تواند جامعه را از وجود این دمل‌های چرکین پاک سازد.

اما وظیفه تعاونی‌ها نبایستی در همین جا متوقف گردد، چرا که تهدید رسالت عظیم تعاونی‌ها به مسئله قطع دست واسطه‌ها خود گامی است برای حفظ نظام سرمایه‌داری و بزک کردن چهره کریه سرمایه‌داری وابسته!

متأسفانه در نظام جمهوری اسلامی بر طبق آن چه که در اصل ۴۴ قانون اساسی در باب سیستم اقتصادی ایده آل این نظام آمده، نقشی بیشتر از آنچه که تاکنون گفتیم برای تعاونی‌ها وجود ندارد و در حقیقت تعاونی‌ها دنباله و سوپاپ اطمینان سرمایه‌داری می‌باشند.

تعاونی‌ها باید که به صورت هسته‌های اولیه یک جامعه سوسیالیستی درآید و برای دستیابی بدین منظور شرایط مختلفی لازم است که در ذیل به اهم آن‌ها می‌پردازیم:

### تعاونی تولید و مصرفی

در جوامع تحت سیطره امپریالیسم که سرمایه‌داری وابسته بر نظام اقتصادی انسان غالب است، تعاونی‌های تولید اصالت و ارزش پیدا می‌کنند و اساساً جایی برای تعاونی‌های

تولید در چنین ممالکی وجود ندارد و بجای آن‌ها کارخانه‌های متعدد و معظم مونتاژ قرار می‌گیرند. اما برای راه یابی به نظام ایده آل سوسیالیستی باید تکیه اساسی را بر تعاونی‌های تولید قرار داد و تعاونی‌های مصرفی را بر پایه تعاونی‌های تولیدی بوجود آورد. هر گونه دوگانگی و جدایی میان این دو نوع تعاونی سبب فروپاشی تمامی آن‌ها می‌گردد. رابطه متقابل تعاونی تولیدی و مصرفی علاوه بر قطع دست واسطه‌ها، سبب شکوفایی اقتصاد تولیدی داخلی نیز می‌گردد. حتی ملی گشتن تجارت خارجی هم که این روزها بسیار در باره آن صحبت می‌شود باید در استخدام رشد تعاونی‌های تولید درآید و رابطه تجارت خارجی با تعاونی‌های مصرفی می‌بایست از طریق تعاونی‌های تولید انجام گیرد.

البته در جامعه ما که دهقانان و روستائیان و کارگران با مالکیت خصوصی خو گرفته و آن را امری ابدی و ازلی می‌پندارند، تشکیل و گسترش تعاونی‌های تولید با موانع بی شماری روبرو خواهد گشت.

### خودآگاهی توده‌ها ضامن بقای تعاونی‌ها

در همین رابطه است که مسئله خودآگاهی اهمیت خاصی می‌یابد، چرا که ایجاد تعاونی‌ها و گسترش آن‌ها اگر بر پایه رشد بینش سیاسی توده‌ها و افزایش خودآگاهی ایشان نباشد، بی ارزش خواهد بود، و قبل از هر چیز می‌بایست بدنبال انتقال احساس تعاون در توده‌ها باشیم و هدف و انگیزه تشکیل این تعاونی‌ها را برای ایشان روشن سازیم. بدون آگاهی بر اهداف متعالی تعاونی‌های مردمی، هیچ تضمینی برای بقاء آن‌ها وجود ندارد.

### ریشه کن کردن سرمایه‌داری و فنودالیسم بستر رشد تعاونی‌ها

بدون مقابله‌ای مستقیم، مستمر با شیوه‌ای اصولی با سرمایه‌داری وابسته و مصادیق عینی آن و فنودالیسم و خان‌خانی، ایجاد تعاونی‌های مردمی امکان پذیر نیست، ایجاد تعاونی‌های تولیدی شهری و رها ساختن آنها به حال خودشان و بدون ریشه کن ساختن سرمایه‌داری و میدان را برای رقابت سرمایه‌داران با تعاونی‌ها باز گذاشتن، باعث می‌شود که تعاونی‌های نوپا و جوان با اولین تندبادی که از سوی منفعت جویان و سرمایه‌داران می‌وزد، عقب نشینی کنند و نابودی خود را اعلام نمایند. همچنین ایجاد تعاونی‌های تولیدی روستایی بدون برنامه و بدون کمک اقتصادی - سیاسی از سوی دولت و قطع دست کثیف خان‌ها از دهات و روستاها، مثرتر واقع نخواهند شد.

دولت رجایی به عنوان آخرین چاره به تعاونی روی آورده و مقدمات اجرای این طرح را فراهم می‌کند. اما اولاً طرح تعاونی‌ها از سوی دولت بدون هیچ برنامه مشخصی می‌باشد و عدم برنامه ریزی دقیق برای ایجاد تعاونی‌ها منجر به شکست قطعی آن‌ها می‌گردد و این تجربه تلخی است که اکثر تعاونی‌ها تولیدی روستایی پس از انقلاب آن را چشیده‌اند.

ثانیا دولت می‌خواهد گرگ و میش را در جهان و جامعه امروز در کنار یکدیگر نگهداری کند. بخش خصوصی و تعاونی‌ها همان گرگ و میش اند و مسلم است که بدون تضعیف بخش خصوص، حمایت از تعاونی‌ها نیز فقط در عرصه حرف و سخن دولتمردان جاری خواهد گشت.

آموزش تعاونی و خودآگاهی مردمی که در این تعاونی‌ها مشارکت دارند از جمله عوامل تعیین کننده‌ای است که دولت رجایی اندک بهایی به آن نمی‌دهد و مسلماً بدون وجود یک بینش عمیق و صحیح مکتبی به عنوان پشتوانه تعاونی‌ها، همچنان تداوم حیات آن‌ها در خطر باقی خواهد ماند.

### تعاونی‌ها و شوراهای مردمی

در ابتدا گفتیم که اهمیت تعاونی‌ها چیزی کمتر از نقش شوراهای مردمی نیست و اکنون می‌خواهیم که رابطه آن‌ها را با یکدیگر مشخص سازیم. در ابتدا باید بگوئیم که منظور ما از شوراها در اینجا همان شوراهای مردمی است که تبلور اراده تزلزل ناپذیر و خودآگاه توده‌ها می‌باشند و بستر رشد توده‌ها و اعمال حاکمیتشان بر سرنوشتشان می‌باشند. متأسفانه آنچه که از شوراها در جامعه ما باقی مانده، نهادهای جاسوس حزب جمهوری اسلامی و توابع است. اگر شوراها به راستی خصلتی و ماهیتی مردمی داشته باشند، می‌توان و باید برای تشکیل تعاونی‌ها بر این شوراها متکی بود. اعمال قدرت شوراهای توده‌ای در حوزه مسائل اقتصادی درباب روند تولید و توزیع و مصرف از کانال تعاونی‌های تولید و مصرفی انجام خواهد گرفت.

پس ایجاد تعاونی‌های مردمی که پایه اولیه سوسیالیسم تطبیقی می‌باشند تنها زمانی امکان پذیر است که:

- ۱ - تشکیل تعاونی‌ها بر اساس شوراهای مردمی و با اتکاء به قدرت آن‌ها باشد.
- ۲ - خودآگاهی سوسیالیستی در حد نسبی در توده‌ها از طریق رسانه‌های گروهی به خصوص رادیو و تلویزیون و سینماها ایجاد گردد.
- ۳ - با سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی و فئودالیسم و خان‌خانی مبارزه‌ای عمیق و

پیگیر انجام گیرد.

۴ - تجارت خارجی ملی شود و در استخدام رشد اقتصادی تعاونی‌های تولید درآید.

۵ - کالاهای ضروری جیره بندی شود.

۶ - تکیه و حمایت همه جانبه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و تبلیغاتی دولت از تعاونی‌های مردمی و انتقال تدریجی قدرت بدانها.

۷ - اصالت دادن به تعاونی‌های تولید در برای تعاونی‌های مصرفی.

به امید آنکه مقاله فوق توانسته باشد گامی کوچک در تحلیل مسائل مبرم اجتماع مان و ارائه درمانی صحیح برای مقابله با آنها بوده باشند.

والسلام